فریدون رحیمی لاریجانی

ساختمانهای ازجی در تاریخ معماری ایران

قسمت دوم

ج مختصری در تاریخچه‌ی سقف‌بندیهای استوانی و گنبدی

تاریخچه سقف های ازج را می‌توان تا دوران سومری‌ها دنبال کرد. کشفیات باستان‌شناسی در جنوب عراق نشان می‌دهد که نوع سقف ازج یا"سغ" بدون تردید به خانه‌های استوانی شکل سومریها که از نی ساخته میشده است بر می‌گردد. امروز اشکال بزرگ و کوچک این نوع خانه های نی‌ای را که تنها با الیاف گیاهی بهم بسته شده‌اند می‌توان در باتلاقهای جنوب عراق مشاهده کرد. اعراب‌خور نشین که از نی و گاومیش و ماهی و صنایع دستی حصیری امور زندگی را می‌گذرانند این سنت خانه‌سازی سومری را تا امروز حفظ کرده‌اند. از عکسهای هوائی این منطقه می‌توان خانه‌های استوانی شکل پراکنده در میان باتلاقها را بخوبی دید و تشخیص داد.

بقایای خانه‌های نی‌ای شبیه در کشفیات " اور" (Ur) در غرب مسیر سفلای فرات پیدا شده است. [۲۰] در منطقه‌ی " اورک" (Uruk) که بنام دیگر" ورکا" (Werka) هم خوانده‌میشوددر شرق فرات بالای بستر مشترک دجله و فرات قراردارد. منجمله یک مهر استوانه‌ای بدست آمده است که بر روی آن تصویر این خانه را می‌توان باز شناخت. [۲۱]

چگونگی پروسهٔ تکامل سقف استوانی واقعی ازروی نمونهٔ سقف استوانی نی‌ای را مستشرق لئونارد ولی که از متخصصین بنام باستان شناسی و هنر سومر و مشرق باستان بود در کتاب " بین ــ النهرین و آسیای مقدم "(ص۴۳)اینطور شرح میدهد. (زیرنویس ۲۰)

" خانه‌های نی‌ای معمولا" یک تونل دراز بود. بعبارت دیگر فضای محصوری با سقف استوانی. اگر تصادفا" چنین خانه‌ای آتش گرفته میسوخت قسمتی از سقف استوانی که گل اندود شده بود براثر حرارت ناشی از آتش سوزی ممکن بود سخت و پخته شده برجای بماند. بدین ترتیب طاق شکلی بدست میآمد. برای بستن یک طاق واقعی ،بنابراین ،کافی بود که خشت‌ها را بر روی بستی باریک و قوسی از نی قرارداد تا طاق مورد نظر بدست آید. عین همین شیوه هم می‌توانست در مورد بستن سقف‌های استوانی بکار رود. اما بزودی معماران کشف کردندکه سقف قوسی‌می‌تواند عنصر باربرباشد. آنها دراین مرحله با قرار دادن خشت‌ها بر روی یکدیگر بطور قوسی طاقی باریک بسته سپس‌باساختن طاق‌های باریک نظیر چسبیده بآن سقف استوانی را بدست می‌آوردند. "

آنچه مهم است اینست که این سبک خانه‌های معمولی بوده‌است. ارتقاء یافتن آن به‌سبک‌حاکم در معماری ساختمانهای عمومی و دولتی راهی طولانی در پیش داشته‌است. تازه در دوران‌پارتهااین شیوه بعنوان یکی از اشکال معماری رسمی شکل می‌گیرد. قبل از آن سبک سقف‌بندی در واحد های

ساختمانی کوچک و متوسط و یا بعنوان تک عنصری در بناهای معظم استفاده میشده است.

درمورد تکامل بام گنبدی هم "پروسه‌ای "شبیه صورت می‌گیرد.[۲۲] منتهی بنظرمیرسد کهایلامیان در تکامل این شکل و سبک سقف‌بندی سهم‌مهمی ایفاء کرده‌اند.[۲۳] بر روی یک مهر استوانه‌ای ایلامی متعلق به آخر هزاره‌ی سوم ق.م. تصویر بنائی روستائی دیده میشود که سه بام‌گنبدی وکنارهم سقف آن را پوشانده است و از آن بعنوان سیلو و یا انبار استفاده می‌شده است.[۲۴] از سقف استوانی درایلام نمونهٔ کاملاً" مشخصی در دست نیست. اما تصویر یکی از مهرهای استوانه‌ای ایلامی می‌تواند حاکی از سقف ازج باشد.[۲۵] این شبانی را نشان میدهد که در حال راندن بزی به آخوراست و سقف آخر قوسی و استوایی بنظر میرسد. علاوه براین در زیگورات چغازنبیل که پلکان‌ها از سه طرف در درون زیکورات جای کرفته‌اند شکل تونلهائی را پیدا کرده‌اند، بچشم می‌خورد. در هر حال باید وجود این نوع سقف سازی را برای ایلام هم پذیرفت.

بنا بر آنچه کذشت سقف کنبدی و استوانی بعنوان دو نوع شیوهٔ پایه‌ای بام‌بندی و بعنوان عنصرهای باربر در معماری روستائی ایران سابقهٔ طولانی دارد. در ساختمانهای بزرگ هم در مقیاس کوچک بکار گرفته میشده.

درسطح ساختمانهای عمومی و حکومتی تا آخر دوران هخامنشیان سقف مسطح و بکاربردن‌چوب شیوهٔ متعارفی بوده است. از دوران پارتها سقف‌بندی محدب گسترش یافته به سطح بناهای معظم هم راه پیدا می‌کند. نمونهٔ سقف ازج از دورهٔ پارتها معبد هترا (در شرق دجله بین موصل و مصب زاب کوچک در دجله) است که درآن شمس(Samas) خدای آفتاب مورد ستایش و پرستش قرار میگرفته است.

بام‌بندی‌دوگانه دردوران ساسانیان در سطح عمارات رسمی به اوج تکامل خود می‌رسد. نمونهٔ کاخهای اردشیر درفیروزآباد فارس[۲۶]، کوشک سروستان در سر راه شیراز به دارابجرد متعلق‌به‌دورهٔ بهرام پنجم که ممکن است از ابنیهٔ مهرنرسی وزیر ساسانی باشد[۲۷] نمونه‌های برازنده‌ای از بامهای گنبدی هستند. از نمونه‌های ازج یا سغ باید از ایوان کرخه[۲۸] (متعلق به شاپور دوم) و عالی‌ترین‌و عظیم‌ترین آن طاق یا ایوان کسری (مدائن) نام‌برد.

آقای علی سامی دانشمند باستان شناس درمقالهٔ " معماری ایران درعهد ساسانی " طاق کسری راچنین توصیف می‌کنند: " طاق کسری در سال ۱۹ پادشاهی خسرو انوشیروان حدود ۵۵۰ میلادی‌در میان شهر روبروی دجله... بنا کردید...... طاق بزرک که با شکوه‌ترین قسمت کاخ بوده ۴۸ متر بلندی، ۹۱ متر درازا و۳۶متر پهنا داشته و در دوسوی آن چهار تالار بزرگ هر یک با ۲۳متر درازا و ۶ متر پهنا بیکدیکر مربوط و متصل بوده است. در زیر طاق بزرک رواقی باسم آپادانا یا تالارباربوده که ۳۵ متر بلندی و ۴۳ متر درازا و ۳۵ متر پهنا داشته...... (در سمت ورودی ایوان در دو طرف طاق‌بزرک هلالی‌از هر سو سه طاق‌نما پهلو گرفته.) ، ضخامت دیوارهائی که طاق‌بزرگ روی آن‌استوار بوده است درپائین ۷ متر و جائی‌که طاق شروع‌میشده چهارمتر و درآخرین نقطهٔ هلالی یک متربوده. برای نوراین بارگاه یکصدو پنجاه دریچه که هر دریچه تا ۱۵متر محیط داشته در اطراف‌بازکرده‌بودند

و برای هوای مطبوع هم تنبوشه‌های سفالین ده در حدود ۲۰ سانتیمتر ضخامت جدار داشته در آن بکار برده بودند تا هوای فضا را خنک کنند و پرتوی ملایم بدرون آن بیندازند. "۲۹

بعضی‌از باستان‌شناسان چون هرتسفلد معتقد بودند که این ساختمان در زمان‌شاپوراول‌ساسانی ساخته شده است. ولی دلایل قانع کننده ارائه نداده‌اند. اما منطق و تکامل معماری حکم میکند که این ساختمان در قرون آخری ساسانیان بوجود آمده است. یعنی زمانیکه معماری قوام یافته و جا افتاده است. از این رو در تعیین زمان عمارات باید مسئلهٔ تکامل معماری آن را مورد توجه‌قرارداد. روند این تکامل در تاریخ معماری ساسانی بنظر میرسد که از کاخ فیروزآباد شروع شده، از کاخ‌بیشاپور و ایوان‌کرخه و کوشک سروستان گذشته، به ایوان کسری رسیده باشد. در ضمن از آنجا که رؤساء مقتدر دولتهای‌آن زمان قدرت خود را درمعماری هم منعکس میساخته‌اند و بزرگترین شخصیت تاریخی‌قرون آخری دورهٔ ساسانی بلا شک خسروانوشیروان است باز منطقی بنظرمی‌رسید که وی بانی‌این ساختمان سترگ باشد. در اینجا مجال نیست که به تاریخچهٔ تأثیر این بام‌بندیها و بطور کلی معماری تکامل یافتهٔ ساسانی دردورانهای بعدی وارد شد. همین بس‌که این دو عنصر معماری بعنوان پوشش سقف و ایوان در پیوند با ارکان دیگر ساختمانی به دورهٔ اسلامی ایران بارث می‌رسد وایران مسلمان می‌تواند با ترکیب عوامل مختلف معماری مدارس و مساجد بی‌نظیر دورانهای بعدی ایران را بوجود بیاورد. ۳۰

پایان

بنا بر آنچه گفتیم ایوان مدائن یا طاق کسری نمونهٔ سترگ سبک ازج است که دردوران حکومت مقتدر خسرو انوشیروان بنا شده است. در اینجا این سئوال مطرح میشود که چرا مرکز حکومت‌وادارهٔ ایرانشهر از لحاظ معماری اینگونه تجلی پیدا می‌کند؟ چرا ساسانیان بویژه انوشیروان به سبکهای ساختمانی با سقف های مسطح که چوب لازم دارد و تالارهای پر ستون بر نمی‌گردند، آنطور که در عمارات هخامنشیان دیده میشوند.

در این باره در مقالهٔ " معماری ایران در عهد ساسانی " که در بالا به‌آن اشاره‌شده‌است نکات جالبی مطرح شده که حائز اهمیت فراوان است.

استادسامی مصرحا"چنین میفرمایند: "بطورمقدمه بایدگفته‌شودکه معماری عهدساسانی‌بااحداث طاقهای آجری بجای پوشش‌های چوبی که سرانجام در اثر پوسیدگی یا موریانه و یا آتش‌سوزی ویران میگردید، و همچنین نیاز کاخها را به ستونهای زیاد که تالار گسترده‌ای را به شکل جنگلی از ستون سنگی و یا چوبی در می‌آورد، و هنگام پذیرائی‌ها ناگزیر عده‌ای در پشت ستونها دیده نمیشدند، و ازلحاظ فرش هم تولید اشکال مینمود، حل کرده‌بودندوبابکاربردن طاقهای هلالی مرتفع دهنه‌دار، که فشار آن فقط بر روی جرزهای دو سو بود، از بکار بردن ستون و پوشش چوبی بی نیاز گردیدند. فایده و اثر محسوس این معماری همین بس، که...... وسعتی در حدود نیمی از وسعت کاخ‌صدستون خشایارشا در تخت جمشید بدون وجود ستونهائی مسقف و با ارتفاعی بیش از دو برابر بلندی کاخ آپادانای تخت‌جمشید سرپا بوده است..." (ص ۲۴)

در صفحهٔ ۲۶ مقاله از کتاب " هنر ایران " پرفسور آندره‌گدار فرانسوی (ترجمه‌ی دکتر بهروز — حبیبی) نقل قول زیر آورده شده است :

" . . . راه حل‌های معماری هخامنشی برای ساسانیان ظاهرا" پرخرج و پیشرفت‌ناپذیربوده‌است. زیرا بلندی تیرهای چوبی حد اعلائی دارد که در دورهٔ هخامنشیان از آن استفاده شده بود. بنابر این حتی در ساختمانهای رسمی هم معماری طاقدار را که در دورهٔ هخامنشیان بی‌شک معماری معمولی بوده رواج دادند. تحولی که دراین سبک معماری معمولی کشوربدست ساسانیان بعمل آمد، ومیخواست عظمت و شکوه مافوق کاخهای داریوش داشته باشد، بایدموردبررسی قرار گیرد. " (هنرایران، ص۲۳۲)

در همین صفحهٔ ۲۶ نقل قولی هم از پروفسور پوپ مشهور در بارهٔ هنر معماری ساسانیان آورده شده که بعضی جنبه‌های دیگر را روشن می‌کند :

" هنر ساسانی با اشکال تازه‌ای عظمت، قدرت و وفورآثار هخامنشیان را ادامه داد. معماری ساسانی هرچندفاقد استعمال سنگ در ساختمان بناهای سنگی گران قیمت مانند معماری هخامنشیان بود، اما دربکار بردن مصالح دیگر و بدعت در ساختن طاقهای هلالی و گنبدها گامی‌فراترنهاده‌بود. این گامها مقدمه‌ای بود برای حل مسئلهٔ انعکاس صوت که حتی از نظر تیزبین معماران رومی مخفی مانده بود. معماران ساسانی به پوشش فواصل وسیع با مواد سخت توفیق یافته بودند، و این امر یکی از مشکلترین اختراعات معماری بود. . . . "

باز نقل قول دیگر از گدار در صفحهٔ ۳۱ آورده‌شده که به اهمیت سبک ازج مربوط است :

" یادآوری این مطالب خالی از فایده نیست که در طاق کسری هم مانند بناهای‌بین‌النهرین‌در دورهٔ پارتها، تنها نوع سقف‌های معمولی استوانه‌ای بوده است. باوجود این، چنانکه بازهم‌گفته‌شده محتمل است دو تالارمربع‌طرفین طاق با گنبد پوشانده‌باشد، واگر هم چنین بوده باشد بازسازندگان این بنا به گنبدهای مزبور ارزش و اهمیتی را که ما در گنبدهای ایران اصلی مشاهده میکنیم، نداده‌اند. در واقع از فیروزآباد گرفته تا عمارت خسرو (پرویز) در قصرشیرین، در همه ابنیه یک تالار — گنبددار دیده میشود که در جلو آن ایوان قرار دارد که تالار ورودی محل مخصوص پذیرائی کاخ و هم هسته اصلی ترکیب معماری است. "

خلاصهٔ این نقلها با توجه به مطالب دیگر همین مقاله بدین قرار است :

۱ — پوششهای چوبی کم مقاومت بوده و در اثر پوسیدگی یا موریانه و یا آتش‌سوزی از بین میرفته‌اند.
۲ — ستونهای فراوان تالارهای هخامنشی‌جنبهٔ رسمی‌و پذیرائی راکه به فضای باز و وسیع‌احتیاج‌دارد جلوگرفته از لحاظ مسائل تزیینی و پوشش کف تالار با فرش تولید اشکال میکرده است.
۳ — سقف محدب ضرورت بکار برد چوب را منتفی میکرده و از این لحاظ شیوه‌ای صرفه جو بوده. در عین حال امکان میداده که ساختمانها از حد بلندی و طول تنه‌های درخت‌ها عریض تر ومرتفع‌تر ساخته شوند.
۴ — جنبهٔ شکوه مندی ساختمانها افزایش میافته که در رابطه با مسائل تزیینی و زینتی ابهت و تأثیر

آن را بربینندگان بیشتر میکرده است . جنبه‌ای که در ادبیات عرب و فارسی انعکاس زیادی پیداکرده است .

۵ ــ معماری دورهٔ ساسانی از لحاظ مصالح اولیهٔ ساختمانی خود کفا بوده و از مواد در دسترس استفاده میکرده است . ولی از ترکیب همین مواد از سنگریزه گرفته تا آهک مخلوطی را تهیه میکرده که امروز در باستانشناسی باسم بتون ایرانی معروف است و استحکام دیوارها و سقف را تضمین‌میکرده است . این مخلوط اولین بار در ساختمان فیروزآباد بکار رفته است و در سدسازی همین‌دوران‌هم‌مورد استفاده بوده . ضرورت بکار برد سنگهای بزرگ و گران که لازم بوده از جاهای دوردست حمل شود و برای آوردن آن مردم به بیگاری گرفته شوند ، بدین ترتیب منتفی میشده .

۶ ــ مسئلهٔ انعکاس صوت که جنبهٔ تبلیغی آن از نقطه نظر حکومت در مراسم رسمی مهم بوده است تا حدودی حل شده بود .

۷ ــ سبک ساختمانی ازج نسبت به سبک گنبدی از نقطه نظر داشتن تالار بزرگ تشریفاتی و محل برگزاری مراسم رسمی و اعیاد برتر بوده است .

۸ ــ معماری طاقدار از دوران هخامنشی ببعدمعماری معمولی‌و روستائی بوده و رفته‌رفته ازدوران پارتیها سبک ازج آن معماری رسمی بویژه در بین‌النهرین مرسوم میشود . دوران ساسانی دوران حاکم شدن معماری طاقدار در سطح معماری رسمی است و سبک ازج جنبه غالب دارد .

براین نکات باید چند مسئلهٔ دیگر هم‌اضافه کرد و یابعضی از این نکات را در رابطه‌های‌دیگری قرار دارد . بعنوان تزهائی مقدماتی مطالب زیر ارائه میشود :

۱ ــ هخامنشیان چون مادها کوهستانی هستند و نقاط مرتفع وخوش آب وهوا و سرسبززاگرس‌درزندگی آنها جنبهٔ اساسی دارد ، سبک‌خانه‌های این منطقه که برحسب شرایط اقلیمی سطحهای مسطح است که در آن از چوب استفاده شده مسلما" مد نظر آنها بوده است .

۲ ــ ساسانیان از سرزمینی برخاسته بودند که هرچند از زاگرس دور نیست اما با سیستم کشاورزی آبی و مناطق دشتهای گرم‌و خشک نزدیکی تمام‌دارد و توجه آنها به خصوصیات این نوع مناطق طبعا" بیشتر بوده است .

۳ ــ تاچه اندازه ساسانیان‌آگاهانه از تاریخ هخامنشی مطلع‌بوده‌اند ، بحث مشکلی است . آنچه روشن است اینست که هخامنشیان خود ادامه دهندگان سنتهای شرق باستان بمطور اعم بوده‌اند . کوشش‌های آنها در زمینهٔ وحدت بخشیدن به قلمروی خود و یک سطح کردن تکامل بسیاری از مناطق آن گسترش و استمرار این سنتها را تضمین میکند. علی‌الرغم نفوذ هلنیسم این ارثیه بدوران پارتها و ساسانیان می‌رسد . بنابراین می‌توان گفت که‌دولت ساسانی‌وارث سنت‌های‌شرق باستان‌است‌ودرنتیجه از سنتهای هخامنشی هم برخوردار می‌باشد . اما آنچه بسیار مهم است روند عمومی تاریخ مشرق‌است که ازلحاظ زیر بنائی بسوی استفادهٔ بیشتر و گسترده‌تر از کشاورزی آبی است .

۴ ــ علی رغم کوششهای فراوان هخامنشیان در تکامل و گسترش کشاورزی و آبیاری ،آنهاهنوز درآغاز کشف کشاورزی و واحدهای تولید کنندهٔ ،دهی هستند . واحدهای مالیاتی آنها واحد ده نیست ، هر

چند ده درآن زمان‌هم پایه و اساس جامعه بوده‌است. [۳۱] راه یافتن این واقعیت اجتماعی ــ اقتصادی به شعور اجتماعی نظام حاکم قرنها طول می‌کشد. تازه در زمان ساسانیان است که این عین اجتماعی ــ اقتصادی به "ذهن" حاکم بر جامعه رسوخ کامل پیدا می‌کند. دولت انوشیروان به تمام معنی انعکاس این روح زمان است.

۵ ــ حکومت ساسانیان دورانی از تاریخ ایران است که با کوشش در استقرار حکومت مرکزی و بعبارت دیگراز بین بردن مراکزمختلف قدرت شاهک‌های محلی و ایجاد وحدت وتوجه‌بمسائل‌آبیاری وده‌سازی و شهرسازی و توسعه‌ی دست‌ورزی و تجارت ــ ازلحاظ سیاست عملی نه اتوپی‌های زیبا و غیر قابل‌اجرا ــ در مجموع دوران مثبتی است و توجه بسازندگی و تکامل کشور و نیروهای‌مولدوکارکن‌نسبت‌به دوران های قبل بیشتر است.

۶ ــ در این دوره نقش‌دولت بعنوان ارگان عالی کشوری در زمینهٔ آبیاری ابعاد جدیدی پیدا میکند که قبلا" موجود نبوده است. تحقیقات پروفسور مک آدمز در بارهٔ خوزستان و منطقهٔ دیاله در شرق بغدادو بطورکلی دوران ساسانیان [۳۲] و بررسی پروفسور هاینس گاوئه، دربارهٔ ارجان دورهٔ ساسانی [۳۳] بخوبی نشان میدهد که‌اهمیت دولت ساسانی در زمینهٔ بنای تاءسیسات بزرگ آبیاری افزایش یافته است. [۳۴] بر اثر تغییرات‌در وضع آبیاری موجودنقش دولت ازاین ببعددر حفظ نظام‌های آبیاری‌بیشتر از قبل‌میگردد. باحفظ سیستم‌های آبیاری زندگی روستائی در نقاط مختلف کشور که رل حکومت بعنوان ناظر کل برآبهای کشورهمه جاگیرتر و همه جانبه‌تر میشود. البته همانطور که گفته‌شد، این‌روند عمومی تاریخ شرق است که برجسته‌ترین نمایندگان سلسله‌ی ساسانی درجهت رشد آن گامهائی‌اساسی بر می‌دارند. درست همین واقعیت ارزش تاریخی آنها را بیانگر است.

۷ ــ با ایجاد سیستم انوشیروانی که بر تکیه‌گاه اجتماعی طبقهٔ دهقانان (نجیب‌زادگان خرد) و بر پایه‌پایه‌ی اقتصاد واحد ده، بعنوان واحد تولید کنندهٔ محصولات عمدهٔ کشاورزی، پا می‌گیرد، تمرکز حکومت مرکزی افزایش یافته مراکز قدرت در یک پروسه‌ی پر فراز و نشیب به‌حکومتی‌واحدومقتدر و کاردان منتهی میشود. در این زمان با اجرای نوعی رفرم‌ارضی بر پایهٔ سیستم مساحت ارزیابی‌ها و آمارگیری‌ها دقیقتر میشود و اساس علمی‌تر و عملی‌تری پیدا می‌کند. سیستم اداری مالی جدید شکل می‌گیرد که مناسبات در تاریخ و حکومت را بنحوی عملی حل می‌کند. [۳۵]

۸ ــ روند تکامل توأما" بانقش شخصیت در تاریخ آن چنان نظام و نهادی را در عرصهٔ اقتصادی ــ اجتماعی ایجاد می‌کند که اساس آن تا چند قرن پس از اسلام هم پا برجاست. [۳۶] ــ هر چند عدم ثبات در عرصهٔ سیاسی ــ نظامی بروز میکند و اختلالاتی هم در پایه بوجود می‌آورد ــ واحدهای کوچک دهی بعنوان تولیدکنندگان نعم مادی به طور اورگانیک بمرکز حکومت یعنی دولت انوشیروانی مرتبط هستند و درواقع‌این دولت بشکل ارگان عالی و مافوق واحدهای‌کوچک بی‌شمارجلوه‌گرمی‌گردد.

۹ ــ اگر قبول کنیم که سیستم اقتصادی ــ اجتماعی و ایدئولوژیکی ــ سیاسی در عرصهٔ معماری هم باید تجلی خود راپیدا کند بنابراین معماری طاقدار با سطح واقعیت مادی ــ فکری جامعه رابطه‌دارد. نحوهٔ تکامل این جریان چیست؟ بدوا" اشاره شد که دولت ساسانی ادامه دهندهٔ سنتهای شرق

باستان در مسیر تکامل خود است. این گرایش عمدتا" بسوی کشف کشاورزی آبی بعنوان اساس. واحد دهی بعنوان پایه اقتصادی و طبقهٔ دهقانان یا نجیب‌زادگان خرد بعنوان تکیه‌گاه اجتماعی حکومت است. انعکاس این تکامل در عرصهٔ معماری عبارتست از ارتقاء تدریجی معماری معمولی و روستائی دورانهای متقدم‌تر در معماری رسمی و دولتی دوره‌های متأخرتر. باز هم مشخصتر: ارتقاء معماری سنتی روستائی مناطق گرم و خشک که اقتصاد کشاورزی آن بر مبنای آبیاری است به سطح معماری حاکم. بنابراین می‌توان گفت که تکامل معماری در گذار از سبک بامهای مسطح به سبک محدب و قوسی و یا سبک معماری مناطق محدود با آب و هوای ملایم و نسبتا" مرطوب وسیع خشک و گرم است.

۱۰ـ معماری دورهٔ انوشیروان که نمونهٔ برجسته‌ی آن کسریٰ است انعکاس سیستم دهقانی ـ روستائی انوشیروانی است که در مرحلهٔ درخشانی از تکامل کشاورزی آبی شرق قرار دارد. دولت واحدهای بی‌شمار کوچک ـ بخصوص از آن زمان که ارزش و مقام این واحد تولیدی درک میشود ـ باید انعکاس واحدهای کوچک باشد در برآیند مافوق و سترگ آن. این دولت باید نشان دهد که با واحدهای تولید کننده یعنی ده پیوند مستقیم داره و با این شکل تجلی خود را نمایندهٔ بلامانع روستاها اعلام میکند. بدین مفهوم می‌توان آنرا نوعی جکومت دموکراتیک تلقی کرد.

۱۱ ـ واحد بزرگ چون واحد کوچک بمفهومی صرفه‌جو و خودکفاست.[۳۷] بدین معنی که از چوب و سنگهای بزرگ و گران استفاده نمی‌کند که با مخارج و صرف کار انسانی توأم است و در ضمن استفاده های سودمند از آن موجود بوده است. چند نمونه:

ـ از نیروی انسانی لازم برای حمل چوب و سنگ امکان استفادهٔ بهتر در کشاورزی و دست‌ورزی وجود داشته. با کمک نیروی انسانی تأسیسات آبیاری و توسعه می‌یافته و کشاورزی گسترده‌تر میشده.

ـ حفظ درخت در شرایط آب و هوای گرم و خشک ضروریات اکولوژیکی داشته و دارد. حفظ و کاشتن درخت برای جلوگیری از انواع ویرانی‌های ناشی از باد و باران چون امروز ضروری بوده است.

ـ کاشتن و حفظ درخت بمثابه سد در مقابل باد در اطراف دهات و باغهای میوه و در دوطرف جوها و نهرها برای جلوگیری از تبخیر آب.

ـ از سنگ برای ساختن آسیا و انواع سنگ‌های چرخهای صنعتی: شکرکوب، عصاری و روغن‌بگری وغیره استفاده میشده.

ـ از سنگ در ساختمان پایه‌های پل ـ سد و پوشش حوض سدها و استخرها آب‌انبارها بهره‌برداری ـ میشده. بجای مصالح فوق از سنگ ریزه و قلوه سنگ و آهک و خاک و ترکیب ساروج استفاده میشده و بازده و عملکرد مصالح موجود بخوبی جایگزین سنگ و چوب بوده است. صرفه‌جوئی توأم با بکاربردن ابتکار، بدین ترتیب، صفت بارز این معماری شده است.[۳۸]

۱۲ ـ صرفه‌جو بودن واحد بزرگ در ایجاد بنا ـ بدون چوب و سنگ ـ قطعا" اثر مهمی در رواج این سبک ساختمانی داشته است. اعیان قوم و توده‌های مردم در واقع به ساختن این نوع عمارت و بنا تشویق میشده‌اند. حفظ دار و درخت در نتیجه ابعاد وسیعتر در مقیاس کشوری پیدا می‌کرده است. اگر در نظر بگیریم که این گونه ابنیه دارای دیوارهای با ضخامت زیاد بوده و در زمستان گرم بوده

عملاً مصرف چوب بمثابه انرژی گرمازا کمتر میشده و به پوشش درختی مملکت آسیب کمتر میرسیده است.[۳۹]

همانطورکه در بالا اشارهشد این موارد نظریات مقدماتی هستند که اینجانب بعنوان سهم کوچکی درمبحث عظیمی تقدیم میکند.

زیرنویسها

۲۰ــ سرلئونارد ولی "بین‌النهرین و آسیای مقدم ــ هنر شرق میانه"، بادن بادن چاپ سوم ۱۹۷۹ صفحات ۴۲ و ۴۴
Sir Leonard Wolly, Mesopotamien und Vorderasien Die Kunst des Mittleren Ostens, Baden- Baden, 1979.

۲۱ــ کاتالوگ نمایشگاه "آثار سومر و آشور و بابل ــ هفت‌هزار سال هنر و فرهنگ و تمدن بین فرات و دجله" در موزهٔ شهر هیلدس‌هایم ۱۹۷۸ قطعهٔ شماره‌ی ۴۵ (قسمت عکسها با شرح) زمان این‌مهر استوانه‌ای را در حدود ۲۹۰۰ ــ ۳۱۰۰ق.م. تشخیص داده‌اند.
Sumer, Assur, Babylon 7000 Jahre Kunst und Kultur zwischen Euphrat und Tigris. Roemer- und Pelizaeus- Museum, 1978.

۲۲ــ ولی همان کتاب ص ۴۳ سقف بر پایهٔ مربع و کشف آثاری در این زمینه در منطقهٔ اور. ص ۸۲ پلان زیگورات بزرگ اور: برفراز تقاطع سه پلکان سمت ورودی (که دو پلکان در حاشیهٔ دیوار بالا رفته است و سومی در وسط بر آنها عمود است) سقفی گنبدی دیده میشود.

۲۳ــ کلاوس گالاس، ایران، کلن ۱۹۷۶ ص ۳۵ Klaus Gallas, "Iran", Koln 1976

۲۴ــ والتر هینس، امپراطوری ایلام، اشتوتگارد ۱۹۶۴ ص ۲۲ شکل ۱۳.
Walter Hinz, Das Reich Elam, Stuttgart 1964, 22 Abb. 13

۲۵ــ هینس همانجا ص ۲۱ شکل ۷.

۲۶ــ رجوع شود به ع. سامی: شهر باستانی گور و فیروزآباد کنونی، هنر و مردم شمارهٔ ۱۶۹ و ۱۷۰، ر. گیرشمن ایران از آغاز تا اسلام (ترجمهٔ شادروان دکتر معین) فصل هفتم ساسانیان

۲۷ــ کریستن‌سن ایران در زمان ساسانیان (ترجمهٔ شادروان رشید یاسمی) ص ۳۰۳. برش‌بسیار جالبی از این ساختمان در مقالهٔ دکتر پرویز ورجاوند، "استمرارهنر و شهرسازی ایران پیش‌ازاسلام در دوران اسلامی"، هنر ومردم شمارهٔ ۱۸۰ ص ۱۱ درج شده که منجمله نشان میدهد که از طاق ازج هم بعنوان عنصری ساختمانی استفاده شده‌است.

۲۸ــ رجوع‌شود به احمداقتداری: مجموعهٔ آثارخوزستان در جغرافیای تاریخی و آثار باستانی (جلد اول۱۳۵۳ص ۴۲۴ و بعد). از تحقیقات احمد اقتداری دراین جلد و در مجلدات دوم سوم و چهارم این کتاب میتوان اطلاعات دقیقی در زمینهٔ انواع سقف‌ها و شیوه‌ی بستن آنها و نامگذاری آنها به دست آورد، ولفرام کلیس: ایوان کرخه گزارشهای باستان شناسی از ایران جلد هشتم ۱۹۷۵.
W. Kleiss, Eywan-i Kerkha, "Archeologische Mitteilungen aus Iran."

۲۹ــ هنر ومردم شمارهٔ ۱۶۵ ص ۱۶۶ ص ۲۸. با عرض معذرت تغییرات ناچیزی در متن داده شد.

۳۰ــ مراجعه شود به مقالهٔ پرویز ورجاوند که در زیرنویس ۲۷ به‌آن اشاره شده‌است.

۳۱ــ رجوع کنید به نقد اینجانب بر ترجمهٔ "تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان" نوشتهٔ: م. ا. داندامایف در همین مجله سال ۱۳۵۹، شماره‌ی ۱ و ۲.

۳۲ــ روبرت مک آدمز، کشاورزی و زندگی شهری در جنوب غربی ایران در دوران اولیه، مجلهٔ Science جلد ۱۳۶، ۱۹۶۲ ص ۱۲۶ ــ ۱۰۸
Robert McC. Adams, Agriculture and Urban Life in Early Southwestern Iran

همین محقق، منطقه‌ی پشت بغداد ــ تاریخ نشستنگاه‌های نواحی اطراف رود دیاله، شیکاگو ۱۹۶۵
Adams, Land Behind Bagdad: A History of the Diyala Plains

همین محقق، نمونه‌های تاریخی سیستم آبیاری در بین‌النهرین، در کتاب "تأثیر آبیاری بر جامعه" بکوشش ت. ا. داونینگ و م. گیبسون، اوراق مردم‌شناسی دانشگاه اری‌زونا شمارهٔ ۲۵ تکسون اری‌زونا

۱۹۷۴ ص ۶ـ۱ Adams, Historic Pattern of Mesopotamian Irrigation Agriculture in: Theodore E. Dowing and McGuire Gibson Irrigation's Impact on Society Anthropological Papers of the University of Arizona Number 25, Tucson, Arizona 1974

در این کتاب دو مقالهٔ تحقیقی نمونه‌وار دیگر نیز موجود است.

۱ ـ جیمیز. نیلی، کنترل آب و سیستم‌های آبیاری دردشت دهلران ایران دردوران‌ساسانیان و آغاز اسلام James A. Neely, Sassanian and Early Islamic Water-Control and Irrigation Systems on the Deh Luran Plain, Iran.

۲ ـ بریان سپونر، آبیاری و اجتماع در فلات ایران Brian Spooner, Irrigation and Society: The Iranian Plateau.

۳۳ ـ هاینس گاوبه، ارجان / کوه‌گیلویه ـ بخش استان فارس قدیم از عصر ساسانیان تا پایان صفویه بررسی و ارزیابی منابع نوشته و تحقیقات باستان‌شناسی در باره‌ی توپوگرافی تاریخی آن وین ۱۹۷۳ این کتاب اخیراً به ترجمهٔ آقای سعید فرهودی و بازنویسی و تحشیهٔ استاد اقتداری منتشر شده است. (مجلد چهارم مجموعهٔ آثار خوزستان در جغرافیای تاریخی و آثار باستانی) و همچنین باید مقایسه شود با نقد برت فراگنر، در "آینده" سال ۱۳۵۹ شماره‌های ۵ و۶ صفحات ۴۰۶ ـ ۴۰۴.

۳۴ ـ کوشش ساسانیان به عراق و خوزستان محدود نمی‌شده. منطقهٔ اصفهان نمونهٔ دیگری است که آبیاری آن مورد توجه ساسانیان بوده است. تقسیم آب زاینده رود به احتمال قوی به دورهٔ اردشیر بر می‌گردد. نمونه‌ای از تاٴسیسات آبیاری ساسانیان در اصفهان پل و سد شهرستان است. مراجعه شودبه کتاب آقای محمدمحمودیان: "زاینده‌رود اصفهان" (اصفهان۱۳۳۸ص۱۶۸) و بعد و کتاب آقای ابوالقاسم‌رفیعی مهرآبادی "آثارملی اصفهان" (تهران۱۳۵۲). اسامی مادی‌های اصفهان یعنی‌نهرـ های بزرگ منشعب از زاینده رود اکثراً به زبان قبل از اسلام ایران برمی‌گردد. خود لفظ مادی هم بنظر اینجانب ممکن است به منصب (m'dknpt) فارسی میانه = (m'dknpty) پارتی=(MAIΓ-ANΓEA) یونانی که در لیست القاب ومناصب دورهٔ اردشیر (کتیبهٔ شاپور ـ کعبهٔ زردشت) آمده است و تا کنون معنی درستی برای آن پیدا نکرده‌اند، رابطه داشته‌باشد.

۳۵ ـ برای اطلاع از تاریخ ساسانیان علاوه بر تحقیقات کلاسیک و هنوز ارزشمند نولد که، ترجمهٔ بخش ساسانیان تاریخ طبری به آلمانی که به زیرنویسهای بسیار علمی و مفصلی مزین است ـ هرچند گهگاه به تاریخ شرق با نظر نادرست برخورد می‌کند ـ و کریستن‌سن، ایران در زمان ساسانیان (که به همت شادروان رشیدیاسمی ترجمه شده‌است) باید به کتب زیرمراجعه کرد.

۱ ـ ر. گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام (ترجمهٔ شادروان معین) فصل هفتم.
۲ ـ ریچارد ن. فرای، میراث باستانی ایران (ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا) فصل ششم.
۳ ـ همین مؤلف، عصر زرین فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۸ (ترجمهٔ استاد رجب‌نیا) فصل دوم.
۴ ـ آلتهایم ـ اشتیل: یک دولت آسیائی ـ فئودالیسم در دورهٔ ساسانیان و در کشورهای همسایه‌ی آنان. F. Altheim-R. Stiehl, Ein asiastischer Staat Feudalismus unter den Sasaniden und ihren Nachbaren, Wiesbaden 1954
۵ ـ ن. و ـ پیگولفسکایا، شهرهای دولتهای ایرانی در دورهٔ پارت‌هاو ساسانیان، پاریس۱۹۶۳.
۶ ـ آ. ای. کولسنیکف، ایران در آستانهٔ حملهٔ عرب (ترجمه‌ی م. ر. یحیایی)، تهران ۱۳۵۷.
(دربارهٔ تحقیقات متعدد شادروان بانو پیگولفسکایا به این کتاب مراجعه شود.)
۷ ـ تحقیقات ارجمند استاد اوتوکارکلیما دربارهٔ مزدک و مانی که خوشبختانه مزدک آن اخیراً به فارسی ترجمه شده است، حاوی اطلاعات ذیقیمتی دربارهٔ تاریخ اجتماعی ـ اقتصادی ساسانیان میباشد.

۳۶ ـ در این زمینه به کتاب پرفسور ب. شپولر: "ایران در دوران اولیه اسلام" (ویسبادن۱۹۵۲) که قسمتی از آن توسط استاد فلاطوری ترجمه شده است و عصر زرین فرهنگ ایران "از فرای، فصل چهارم مراجعه فرمائید.

۳۷ ـ البته مسئله در شکل متعالی خود مفهوم ماکس وبر مطرح است. زیاده روی‌های حکمرانانی چون خسرو پرویز مورد نظر نیست.

۳۸ ـ نمونه‌های مختلف فراوان از ابتکارات فنی دوران ساسانی در دست است: استفاده ازنیروی باد برای بکار انداختن آسیاهای بادی در نقاط بادخیز چون سیستان، ایجاد ساختمانهای چند سوده

چون ساختمانهای آبی سه هدفی یعنی سد و پل و آسیای آبی در یک مجتمع، استفادهٔ گسترده از شبکهٔ راههای آبی، از این جمله است.

۳۹ ـ این استنباط درست در مقابل نظریات یکطرفهٔ پرفسور پلانهول Xavier de Planhol قرار دارد که در مقاله‌ای تحت عنوان "Le deboisement de L'Iran" درخت‌بری و از بین بردن جنگلها در ایران "(مجلهٔ سالنامه‌های جغرافی Annales de Geographie شمارهٔ نوامبر ـ دسامبر ۱۹۶۹ صفحات ۶۳۵ ـ ۶۲۵) معتقد است که دورهٔ ساسانی بعلت گسترش کشاورزی و شهرنشینی یکی از دوره‌هائی است که نابود کردن پوشش درختی به حد اکثر رسیده است.

اضافات بعدی

زیرنویس سوم ـ دربارهٔ خانه‌های گیلان رجوع شود همچنین به:
کاظم سادات اشکوری: تأملی در مسکن حیدرآلات، هنر و مردم شمارهٔ ۱۵۶سال ۱۳۵۴ ۵۲ـ ۴۳

قسمت ج ۱ ـ شاید بتوان مجتمع های مسکونی خوارزم را که باستان شناس شوروی تولستو ف کشف کردو تشکیل شده است از کریدورهای دراز در چهار طرف یک محوطهٔ حیاط مانند که در مجموع شکل قلعه پیدامیکند، نوعی ازساختمان ازجیی روستائی نامید. تصاویری که تولستوف بدست میدهد و گیرشمن هم برای فارس دورهٔ هخامنشی تائید میکند، کریدورهای طاقدار را نشان میدهد. رجوع کنیدبه: ر. گیرشمن، ده هخامنشی، سلسلهٔ انتشارات میسیون باستانشناسی فرانسوی درایران، مجلد ۳۶ پاریس ۱۹۵۴ Chirshman, VILLAGE PERSE-ACHEMENIDE.

اگر این استنباط درست باشد موجودیت و گسترش این سقف بندی در هزارهٔ اول ق. م. برای فضای جغرافیائی بزرگی به اثبات میرسد.

۲ ـ در زمینهٔ مساکن روستائی و ساختمان آن اطلاعاتی در کتاب " تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان... " آقای انصاف پور (تهران ۱۳۵۲) آمده است. ۲۰۴ و ۲۰۵ مساکن روستائیان دردورهٔ هخامنشی ۳۳۳ و ۳۳۴ خانه‌های دوران پارتها.

۳ ـ در زمینهٔ شباهت اساسی ایوان کسری با خانه‌های سادهٔ روستائی پروفسور ج. هـ. ایلیف (J. H. Iliffe) در مقاله" ایران و دنیای قدیم" چنین میگوید:

" آشنائی کامل باایوان بزرگ در مدائن، این تالار ازج و جلو باز را درنظرمابمثابهٔ خصوصیت بارز معماری ساسانی جلوه‌گر میکند و این درست است. اما علاوه براین واقعیت بیشتری را بما نشان میدهد: اگر به این مدل دو اطاق پوشیده در طرفین اضافه شود، مدل ساده‌ترین خانه‌های روستائی بدست می‌آید. و اگر این مدل خانه روستائی را دو برابر و یا چهار برابر کرده دور آن حیاط روبازی بنا کنیم خانه اعیانی و کاخ میشود". (میراث ایران، بکوشش ا. ج. آربری) A.J. Araberry (editor), The Legacy of Persia Oxford 1963 ص ۳۵ و ۳۶

۴ ـ زیرنویس ۳۶ ـ همچنین‌مراجعه شود به گیرشمن: ایران ـ پارتها و ساسانیان، مونیخ ۱۹۶۲: توضیحات دقیق با طرح ترسیمی کاخ فیروزآباد. کلاوس کالاس: ایران ص ۲۱۵ و بعد.

زیرنویس۲۷ ـ رجوع بفرمائید به همین کتاب گیرشمن. ایشان کوشک سروستان را متعلق به خود بهرام پنجم میدانند / توضیحات مفصل دربارهٔ خصوصیات معماری این بنا تکامل جنبه‌های مختلف و پدیدار شدن عناصر جدید ساختمانی در آن / تصویر طرح بازسازی و پلان آن. وکلاوس کالاس: ایران ص ۲۱۶ و بعد.

۵ ـ زیرنویس ۲۹ ـ ابعادی که در مقالهٔ استاد سامی آمده است: ص ۲۴: ۹۱ متر درازا و ۲۶ متر پهنا ص ۲۸ (متن نقل شده): ۴۸ متر بلندی ۹۱ متر درازا و ۳۶ متر پهنا با هم و با ابعاد داده شده توسط آندره گدار در همین مقاله ص ۳۰: ۲۵/۶متر پهنا و ۳۶ متر ارتفاع و ۴۲/۹۵ متر عمق یا درازا مطابقت ندارد. کلاوس شیپ‌من Schippmann، کاتالوگ نمایشگاه سومر و آشور و بابل ص۲۳ ابعاد آنرا: ۲۵ متر پهنا ۳۰ متر بلندی و ۴۳ متر عمق‌میدهند.

در این زمینه استاد سامی خود باید لطف فرموده موضوع را روشن بفرمایند.